



{ متن کوتاه شدہ }

نترا افق

کینو^۱ در تاریک روشن صبح در کومه^۲ اش از خواب بیدار شد. ستارگان هنوز در آسمان می درخشیدند و خروس‌ها بانگ قوقولی قوقوی شان را سر داده بودند.

کینو چشمانش را گشود و نخست به کویوتیتو^۳ که در نو خفته بود و سپس به همسرش خوانا^۴ که کنارش روی حصیر دراز کشیده بود نگاه کرد. چشمان خوانا باز بود. تا آن روز هیچ‌گاه نشده بود که وقتی کینو بیدار می شد

1. Kino

۲. کلبه‌ای که با شاخه‌های گیاهان ساخته می‌شود - م.

3. Coyotito

4. Juana